



چهارشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۵ شماره ۹۱۲۴

irannewspapper irannewspapper

اولین گزارش بازرس کل پنتاگون درباره هزینه جنگ علیه ایران منتشر شد

کمبود مهمات گریبان ارتش آمریکا را گرفت

گزارش

بازرس کل وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) روز دوشنبه اولین گزارش خود درباره جنگ علیه ایران را منتشر کرد. بنابر این گزارش، آمریکا در بازه زمانی ۲۸ فوریه تا ۳۰ ژوئن، مهماتی به ارزش ۲۲.۳ میلیارد دلار در این درگیری استفاده کرده است و جنگ باعث کمبود مهمات و ایجاد محدودیت در زنجیره تأمین تسلیحات آمریکا شده است. این گزارش که تهیه آن بر اساس مصوبه کنگره الزامی است، تحولات جنگ را از زمان آغاز آن تا ۳۰ ژوئن پوشش می‌دهد. این سند یکی از اولین ارزیابی‌های عمومی منتشرشده از سوی نهادهای دولتی درباره هزینه، دامنه و ابعاد جنگ آمریکا علیه ایران و تأثیر آن بر ارتش آمریکا، وزارت خارجه و دیگر نهادهای این کشور را بررسی می‌کند.

براساس گزارش نهاد نظارتی پنتاگون، از زمان آغاز جنگ ایران تاکنون بیش از ۵۰ فروند هواپیمای آمریکایی، آسیب دیده یا منهدم شده‌اند؛ از جمله ۴ فروند F-15E، هفت فروند هواپیمای سوخت‌رسان KC-135، چهار فروند بالگرد AH-6 و دست‌کم ۳۰ فروند پهپاد MQ-9 Reaper.

این در حالی است که دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا چند روز پیش از انتشار این گزارش مدعی شد که «آمریکا در عمل مهمات نامحدود در اختیار دارد»، اما برخی مقام‌های ارشد این کشور صریح‌تر درباره ابعاد خسارات و کاهش ذخایر تسلیحاتی آمریکا صحبت کرده‌اند و گفته‌اند ارتش آمریکا در جریان جنگ با ایران، بخش قابل‌توجهی از ذخایر موشک‌های دوربرد و دقیق خود، از جمله موشک‌های ATACMS و PrSM، را مصرف کرده است؛ موضوعی که نگرانی‌هایی درباره آمدگی نظامی آمریکا ایجاد کرده است.

براساس این گزارش، تأسیسات دیپلماتیک آمریکا در چهار کشور حوزه

خلیج فارس نیز در پی حملات نظامی ایران حدود ۱۸۴ میلیون دلار خسارت دیده‌اند. این تأسیسات در عراق، کویت، عربستان سعودی و امارات متحده عربی قرار دارند. به گزارش روزنامه هیل، این گزارش همچنین تصویری از ابعاد خسارت‌های وارده‌شده به منافع و تأسیسات آمریکا در منطقه ارائه می‌دهد. بر اساس این گزارش، بیشترین خسارت در عراق وارد شده و هزینه آن بیش از ۱۵۷ میلیون دلار برآورد شده است. پس از آن کویت با بیش از ۱۴ میلیون دلار خسارت و عربستان سعودی با ۱۱.۵ میلیون دلار قرار دارند. در امارات متحده عربی نیز تأسیسات دیپلماتیک آمریکا ۱۲۵ هزار دلار خسارت دیده است. مأموریت آمریکا در عراق نیز با بیش از ۶۰۰ حمله ایران مواجه شده است.

در همین رابطه هانگ کاو، سرپرست وزارت نیروی دریایی آمریکا در پاسخ به پرسشی درباره میزان خسارت وارده‌شده به پایگاه پشتیبانی نیروی دریایی بحرین (NASB) گفت: «ایران پایگاه مفر نیروهای دریایی آمریکا در بحرین را در هم کوبید.»

پنتاگون هزینه جنگ از ۲۸ فوریه تا ۲۹ ژوئن را ۳۲.۴ میلیارد دلار برآورد کرده است؛ از این مبلغ، ۲۲.۳ میلیارد دلار مربوط به مهمات مصرف‌شده، ۲.۷ میلیارد دلار مربوط

به خسارت تجهیزات و ۷.۴ میلیارد دلار مربوط به دیگر هزینه‌ها بوده است. به گزارش ان بی سی نیوز این در حالی است که در ماه ژوئیه، پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، به نمایندگست از کنگره گفت هزینه برآوردشده جنگ ایران به ۳۷.۵ میلیارد دلار رسیده است؛ رقمی که برخی کارشناسان آن را کمتر از هزینه واقعی جنگ دانسته‌اند. در همین حال، وزارت خارجه آمریکا گزارش داده بود که تا ۲۰ ژوئن، ۱۱۳ میلیون دلار هزینه مرتبط با جنگ متحمل شده است و با توجه به اینکه روند ارزیابی خسارات همچنان ادامه دارد، این هزینه‌ها ممکن است افزایش یابد. در این گزارش همچنین آمده است که ۲۹.۲ میلیون دلار برای مقابله با شرایط اضطراری ناشی از این درگیری هزینه شده است؛ از جمله «هزینه‌های مرتبط با تخلیه کارکنان وزارت خارجه و اعضای خانواده آنها، شهروندان آمریکایی و اتباع کشورهای ثالث واجد شرایط.» با این حال، هزینه خسارت‌های وارده‌شده به پایگاه‌های نظامی آمریکا در برآورد هزینه‌های جنگ لحاظ نشده است؛ زیرا هنوز مشخص نیست که آیا تمام این پایگاه‌ها بازسازی خواهند شد یا خیر و در صورت بازسازی، چه کسی هزینه آن را پرداخت خواهد کرد.



هزینه ۱۰۰ میلیارد دلاری سوخت برای آمریکایی‌ها

گزارش پنتاگون عمدتاً هزینه‌های مستقیم جنگ، از جمله هزینه مهمات مصرف‌شده و خسارات تجهیزات و... را بررسی کرده است و هزینه‌های غیرمستقیم جنگ، از جمله افزایش قیمت بنزین و گازوئیل و تأثیر آن بر هزینه‌های خانوارهای

آمریکایی را دربرنمی‌گیرد. در همین رابطه داده‌های رصدگر مؤسسه وائسون برای امور بین الملل و عمومی دانشگاه براون، مصرف‌کنندگان آمریکایی در شش ماه گذشته و از زمان آغاز جنگ آمریکا در اسرائیل علیه ایران در ۲۸ فوریه، ۱۰۰ میلیارد دلار بیشتر برای بنزین و گازوئیل پرداخت کرده‌اند. این هزینه‌ها اضافی در سراسر آمریکا به‌طور میانگین به حدود ۷۴۳ دلار برای هر خانوار می‌رسد.

جنگ علیه ایران در آمریکا با استقبال عمومی مواجه نشده و اکثریت آمریکایی‌ها دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، را مسئول افزایش قیمت سوخت می‌دانند. رأی‌دهندگان که می‌گویند فشار ناشی از هزینه‌های زندگی را بیش از پیش احساس می‌کنند، این وضعیت را «اگر قیمت‌ها بالا بروند، بالا می‌روند.» او در عوض تلاش کرده

است مسئولیت افزایش قیمت‌ها را متوجه شرکت‌های نفتی کند و آنها را به «گرانفروشی» متهم کرده است. بنزین سهم بیشتری از این هزینه اضافی را به خود اختصاص داده است، زیرا آمریکایی‌ها بسیار بیشتر از گازوئیل از بنزین استفاده می‌کنند. قیمت بنزین ۳۹ درصد افزایش یافته و از حدود ۲.۹۸ دلار به ۴.۱۵ دلار در هر گالن رسیده است؛ معادل افزایش قیمت ۰.۷۹ دلار به ۱.۰۹ دلار در هر لیتر.

قیمت گازوئیل نیز با افزایش شدیدی‌تری مواجه شده و بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته است؛ به‌طوری‌که قیمت آن از ۳.۶۷ دلار به ۵.۹۰ دلار در هر گالن رسیده که معادل افزایش از ۰.۹۷ دلار به ۱.۵۶ دلار در هر لیتر است.

باید در نظر داشت که این افزایش هزینه‌ها تنها به قیمت سوخت محدود نمی‌شود و آثار آن به سایر بخش‌های زندگی روزمره، از جمله هزینه مواد غذایی، نیز سرایت کرده است. به گزارش بی بی سی، قیمت‌ها در آمریکا در سال منتهی به ماه اوت ۳.۴ درصد افزایش یافته‌اند و آمارهای رسمی نشان می‌دهد افزایش قیمت بنزین باعث بالا رفتن هزینه زندگی شده است.

به گزارش پولیتیکو، مارک زندی، اقتصاددان ارشد مؤسسه Moody's Analytics، می‌گوید هزینه جنگ برای بودجه خانوار یک آمریکایی معمولی تا دو هفته گذشته حدود ۱۶۵۰ دلار بوده است؛ رقمی که ترکیبی از هزینه‌های انرژی، نرخ بهره و هزینه‌های خود جنگ است. او می‌گوید این رقم هر روز بیشتر می‌شود.

واداشتن آمریکایی‌ها به تحمل این هزینه‌ها ممکن است برای ترامپ، جی دی ونس، معاون رئیس جمهوری و دیگر مقاماتی که در تگراس کرد هم آمده‌اند تا رأی‌دهندگان را بسنجد، کار دشواری باشد؛ بویژه رأی‌دهندگانی که می‌گویند فشار ناشی از هزینه‌های زندگی را بیش از پیش احساس می‌کنند. این وضعیت نظارت و پاسخگویی، به منبعی برای اختلاف تبدیل خواهد شد.

آن هم در شرایطی که کمتر از دو ماه تا انتخابات باقی مانده است. نظرسنجی رویترز/ایپسوس که در اواخر ماه اوت انجام شد، نشان داد تنها ۳۱ درصد از آمریکایی‌ها از جنگ با ایران حمایت می‌کنند و اکثریت قاطع، یعنی ۸۳ درصد از شرکت‌کنندگان، معتقدند این جنگ «برای مدت طولانی» ادامه خواهد داشت.

روز پنجشنبه، قیمت نفت به بیش از ۱۰.۷ دلار در هر بشکه جهش کرد که بالاترین سطح از ماه مه محسوب می‌شود. گرگوری برو، تحلیلگر ارشد گروه اوراسیا که بر حوزه نفت و گاز و ایران تمرکز دارد، گفت این افزایش قیمت ممکن است تا حدی ناشی از اظهارات اخیر ترامپ باشد.

برو گفت: «بازار نفت در حال نوعی بازتنظیم خود براساس این موضع آمریکاست که تا بعد از انتخابات میان دوره‌ای قرار نیست هیچ‌گونه گشایش یا پیشرفت چشمگیری در جنگ علیه ایران رخ دهد. ترامپ در اظهاراتش کاملاً روشن کرد که آنها واقعاً می‌خواهند تا بعد از انتخابات، این وضعیت را تحت کنترل نگه دارند.»

بریتنی مارتینز، استراتژیست جمهوری خواه و مدیر اجرایی مؤسسه محافظه‌کار Principles First، که از منتقدان ترامپ است، گفت ارائه این پیام که فشار اقتصادی ناشی از جنگ علیه ایران در کوتاه‌مدت به نفع مردم خواهد بود، دشوار است؛ بخشی از این دشواری به این دلیل است که این موضوع با واقعیت زندگی روزمره رأی‌دهندگان همخوانی ندارد.

مارتینز گفت: «این موضوع به نوعی برای جمهوری خواهان یک زنگ خطر است، چون هر روز که می‌گذرد، تعداد کمتری از آمریکایی‌ها از جنگ با ایران حمایت می‌کنند. بنابراین وقتی شما مدام از این به‌اصطلاح پیروزی‌های غیرواقعی صحبت می‌کنید و قیمت بنزین همچنان کاهش پیدا نمی‌کند، واقعیتی که آمریکایی‌ها در جیب خود احساس می‌کنند، با چیزی که رئیس جمهوری درباره آن صحبت می‌کند، همخوانی ندارد.»

A History of the Modern Middle East



«مجلس کبیر ملی» و شکل‌گیری دولت نوین ترکیه

این مجلس که خود را «مجلس کبیر ملی» نامید، در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۲۰ به تشکیل دولتی موقت به ریاست مصطفی کمال رأی داد. استدلال آن ساده اما قاطع بود: دولت استانبول، در قبضه نیروهای اشغالگر، دیگر نماینده اراده ملت به شمار نمی‌رفت؛ بنابراین تنها در این مجلس است که حاکمیت ملی می‌تواند تبلور یابد. به‌زودی، در ژانویه ۱۹۲۱، این مجلس اولین قانون اساسی خود را تصویب کرد که شامل «مبنای ملی» می‌شد؛ سندی بنیادین که تا امروز نیز شالوده سیاست خارجی ترکیه محسوب می‌شود. براساس این مبنای، دولت ملی ترکیه رسماً از هرگونه ادعای ارضی بر استان‌های عربی سابق چشم پوشید. اما در عوض، بر حق حاکمیت تام و تمام بر تمامی سرزمین‌هایی که اکثریت جمعیت‌شان ترک بودند – از باقی‌مانده امپراطوری عثمانی – تأکید کرد. بدین‌سان، ملی‌گرایان آنکارا از آمان استقلال و وحدت ملی ترکیه را به شکلی روشن و مدون اعلام داشتند.

از نگاه مصطفی کمال و «مجلس کبیر ملی»، مفهوم حاکمیت ملی ترکیه تمامی سرزمین‌های اتاتولی را در بر می‌گرفت؛ حتی آن بخش‌هایی را که بنا بر مفاد پیمان سور قرار بود به جمهوری تازه‌تأسیس ارمنستان واگذار شود. اولین گردهمایی بزرگ جنبش ملی‌گرایان ترک، یعنی «کنگرو ارزروم» در تابستان ۱۹۱۹، با صدور قطع‌نامه‌ای صریح اعلام کرد هیچ امتیازی که بتواند حاکمیت سیاسی ترکیه را متزلزل سازد، به اقلیت‌های مسیحی اعطا نخواهد شد. در چشم ملی‌گرایان، تشکیل یک دولت مستقل ارمنی آشکارترین تهدید علیه موجودیت و یکپارچگی کشور بود. چند سالی نگذشت که این نگرانی به کنشی نظامی انجامید. در پاییز ۱۹۲۰، ارتش ترکیه همگام با نیروهای اتحاد جماهیر شوروی به خاک ارمنستان تاختند و این سرزمین نوپا را میان خویش تقسیم کردند؛ اقدامی که در عمل اولین میخ بر تابوت پیمان سور بود. پیامد این عملیات، چیزی فراتر از تغییر مرزها بود: روابطی دوستانه میان آنکارا و مسکو شکل گرفت؛ هم‌پیمانی تاکتیکی که دغدغه‌های ملی‌گرایان ترک را از جانب شمال‌شرقی کشور فرو نشاند و امنیت این مرزها را تضمین کرد. بدین‌سان، جنبش ملی مجال یافت تا قوای خود را یک‌سره متوجه جبهه غربی سازد، جایی که ارتش یونان با پشتیبانی متنفذین، اصلی‌ترین خطر برای استقلال و تمامیت ترکیه به‌شمار می‌رفت.

سال ۱۹۲۱ را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ جنبش ملی‌گرایان ترکیه دانست؛ سالی که موازنه قدرت، چه در میدان دیپلماسی و چه در عرصه نظامی، به سود دولت نوپای آنکارا تغییر یافت. در این سال، اتحاد جماهیر شوروی و فرانسه رسماً دولت مصطفی کمال را به‌عنوان تنها حکومت قانونی ترکیه به رسمیت شناختند و ایتالیا نیز با ملی‌گرایان به توافق رسید و نیروهای خود را از جنوب آناتولی بیرون کشید. این موفقیت‌های دیپلماتیک، پشتوانه‌ای استوار برای جنبشی بود که تا‌آن زمان مشروعیت بین‌المللی‌اش در پرده تردید قرار داشت.



اختصاص یافته است. هزینه انرژی، شرایط بازار، فرآیند دریافت مجوز و اختلاف میان شرکت‌هایی می‌تواند اجرای پروژه‌ها را به تأخیر بیندازد. در نهایت، پایداری این شرکات به توانایی دو طرف در مدیریت اختلاف‌های سیاسی، حقوقی و تنظیم‌گری وابسته خواهد بود. اهمیت دارد، زیرا قرار است رابطه‌ای را مدیریت کند که دیگر تنها بر انرژی و سرمایه استوار نیست، بلکه به‌تدریج به حوزه‌های حساس فناوری، داده و امنیت گسترش می‌یابد.

است. ترکیب این ظرفیت‌ها می‌تواند در انرژی پاک، صنایع شیمیایی، زیرساخت دیجیتال، هوش مصنوعی و فناوری‌های پیشرفته ارتش اقتصادی ایجاد کند. بااین حال، هرچه همکاری به داده، صنایع دفاعی و زیرساخت‌های حیاتی نزدیک‌تر شود، حساسیت نهادهای نظارتی نیز افزایش می‌یابد. فاصله میان وعده سیاسی و اجرای اقتصادی، محدودیت مهم دیگر است. بسته ۴۰ میلیارد یورپی اهمیت نمادین و اقتصادی دارد، اما هنوز روشن نیست چه میزان از آن به پروژه‌های قطعی

بشر این کشور، ممکن است در آلمان مخالفت‌هایی با تعمیق همکاری دفاعی ایجاد کند و دولت را با فشارهای سیاسی و حقوق بشری بیشتری روبه‌رو سازد.

فرصت‌ها و محدودیت‌ها

مهم‌ترین فرصت این رابطه، مکمل بودن نسبی ظرفیت‌های دو کشور است: امارات سرمایه، انرژی، شبکه‌های لجستیکی و توان تصمیم‌گیری سریع دارد و آلمان از صنعت، فناوری، نیروی انسانی متخصص، مراکز پژوهشی و دسترسی به بازار اتحادیه اروپا برخوردار

نتیجه‌گیری

ایران در این سفر موضوعی حاشیه‌ای نبود. اشاره بیانیه مشترک به تنش‌های منطقه‌ای، امنیت تنگه هرمز و برنامه‌های موشکی، پهپادی و هسته‌ای ایران، بدون اشاره به نقش امارات در تجاوز نظامی به ایران، نشان می‌دهد که برلین، با تأکید بر دیپلماسی و جلوگیری از گسترش جنگ، نگرانی‌های امنیتی امارات را نیز وارد دستور کار خود کرده است. از این رو باید انتظار داشت، هرچه وابستگی اروپا به انرژی، سرمایه و زیرساخت‌های دیجیتال کشورهای خلیج فارس افزایش یابد، امنیت این کشورها جایگاه مهم‌تری در سیاست اروپایی پیدا کند.

موضوع سفارتخانه‌های داده نیز در همین چارچوب مطرح شده است. توافق دو کشور در این مرحله به معنای ایجاد فوری چنین ساختاری نیست، بلکه بررسی امکان میزبانی امن داده‌ها و سامانه‌های اطلاعاتی را در بر می‌گیرد. سفارتخانه داده معمولاً به نگهداری نسخه‌ای از داده‌های حساس یک دولت در قلمرو کشور دیگری گفته می‌شود تا در صورت جنگ، حمله سایبری یا اختلال گسترده، تداوم خدمات عمومی تضمین شود. اجرای چنین طرحی میان آلمان و امارات به سطح بالایی از اعتماد سیاسی و حقوقی نیاز دارد. محل ذخیره داده، مصونیت حقوقی، حدود دسترسی کشور میزبان و مسئولیت طرف‌ها در صورت رخنه امنیتی، از موضوعاتی است که پیش از عملیاتی‌شدن طرح باید روشن شود. همکاری در داده و هوش مصنوعی همچنین باید با مقررات حفاظت از داده و قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپا سازگار باشد. الگوی اروپایی بر حفاظت از داده‌های شخصی، ارزیابی خطر، شفافیت و مسئولیت‌پذیری تأکید دارد، درحالی‌که الگوی امارات بیشتر بر توسعه سریع زیرساخت، جذب سرمایه و هدایت دولتی پروژه‌ها استوار است. پیوند این دو الگو می‌تواند مزایای اقتصادی و فناوریانه ایجاد کند، اما بدون سازوکارهای روشن نظارت و پاسخگویی، به منبعی برای اختلاف تبدیل خواهد شد.

ورود امنیت و دفاع به شراکت جدید

یکی از وجوه متمایز سفر محمد بن زاید، طرح همکاری در صنایع و فناوری‌های دفاعی بود. دو کشور نامه اعلام تمایلی برای بررسی گسترش همکاری در این حوزه امضا کردند و در پی آن هستند که از الگوی سنتی خریدار و فروشنده تجهیزات نظامی فاصله بگیرند. پهپادها، حسگرها، ماهواره‌ها، امنیت سایبری، هوش مصنوعی و حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی مرز روشنی میان کاربردهای غیرنظامی و نظامی ندارند. بنابراین، سرمایه‌گذاری مشترک در این حوزه‌ها می‌تواند هم به توسعه صنعتی و هم به همکاری امنیتی منجر شود. بااین حال، نقش منطقه‌ای امارات، بویژه در منازعات یمن و سودان و سابقه حقوق



نقش منطقه‌ای امارات، بویژه در منازعات یمن و سودان و سابقه حقوق بشر این کشور، ممکن است در آلمان مخالفت‌هایی با تعمیق همکاری دفاعی ایجاد کند



برش